

نگاهی به کنسرت‌های رایگان

در پشت هر حرکتی منافع طبقاتی نهفته است. رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی _ رژیمی که طیفی از نیروهای سیاسی با بستن چشم بر روی واقعیات آن را نه به عنوان محصول کنفرانس گوادلوپ و سگ زنجیری امپریالیسم برای تأمین و خدمت به منافع امپریالیستی در ایران بلکه با اسلامی بودن آن شناسانده و با ترم رژیم یا حکومت "اسلامی" معرفی کرده و می کنند_ اخیراً به اقداماتی غیر"اسلامی" و علیه آنچه تا کنون آنها را قوانین "اسلام" می خواند دست زده است.

این رژیم مذهبی که از جمله از بدو روی کار آمدنش چه با قوانین زن ستیزانه خود و چه با تحمیل "حجاب" در محل کار و در خیابان شدیداً زنان را سرکوب می کرد و هنوز هم می کند، اکنون با زنانی که بدون سر کردن شال یا روسری در خیابان رفت و آمد می کنند همچون سابق برخورد نمی کند؛ و حالا دیگر گشت ارشادش را برای دستگیری و اذیت و آزار آنان به هر کوچه و خیابان و هر محل تردد نمی فرستد. به همین خاطر مدتی است نه خبری از اقدامات روزمره نظیر قتل دختر بی گناه کرد ژینا (مهسا) امینی به خاطر این که گویا حجاب روی سرش سانتیمتری با معیار مزدوران گشت ارشادش اختلاف داشت منتشر شده است و نه زنان حجاب بانس در قطارها حضور دارند تا با دختران دانش آموز چون آرمیتا گراوند گلاویز شده و آنان را به خاطر نپوشاندن موهای سرشان با ضرب و شتم به قتل برسانند. نه، این رژیم یا حکومت "اسلامی" حالا قوانین اسلام مورد تبلیغ سالیان دراز حکومتش را دیگر رعایت نمی کند و ظاهراً آنها را زیر پا گذاشته است.

اما، غیر "اسلامی" شدن "حکومت اسلامی" ایران تنها به مورد حجاب ختم نمی شود بلکه اسلام این حکومت کار را به جایی رسانده است که برخلاف سابق که مبلغ عزاداری و گریه و زاری و زانوی غم به سینه گرفتن بود و با هرگونه شادی و رقص و آواز مردم مخالفت می کرد، حالا مجوز برپائی کنسرت های شاد خیابانی را صادر می کند. در همین رابطه کسی فراموش

نکرده است که طیفی از نیروها و حتی آنهایی که خود را چپ و مارکسیست می‌خوانند وقتی این رژیم به مراسم عروسی مردم در خانه‌ها حمله می‌کرد و حتی گاه مراسم عروسی یک خانواده را به مراسم عزا تبدیل می‌نمود، یا افراد مرفه مجبور بودند برای برگزاری جشن و سرور در خانه خود و یا در هر محل مناسبی که داشتند، دم پاسداران را دیده و با دادن مبلغی به آنان و البته باز با ترس و دلهره جشن‌های خود را برپا کنند، این نیروها به جای ارائه یک تحلیل طبقاتی و توضیح علمی و مارکسیستی چنین برخوردی از طرف حکومت و منافعی که در پشت این شکل از اعمال دیکتاتوری خوابیده بود، این برخورد جمهوری اسلامی را که درست به منظور سرکوب توده‌ها جهت محافظت از سیستم سرمایه‌داری وابسته حاکم صورت می‌گرفت را با "اسلامی" بودن این حکومت توضیح می‌دادند و می‌گفتند چون حکومت اسلامی است دارد قوانین اسلام را پیاده می‌کند و آنگاه در تقبیح "اسلام" چه قلم‌ها که نمی‌زدند. آنها فراموش می‌کردند که اسلام نه امروز بلکه همیشه در دست طبقات حاکم وسیله‌ای برای تحمیق و فریب توده‌ها به منظور حفظ منابع طبقاتی طبقات ستمگر و استثمارگر بوده است. در نتیجه این طیف از نیروها نمی‌توانستند یا نمی‌خواستند بدانند که تحلیل مسائل جامعه با صرف رجوع به ایدئولوژی مورد تبلیغ حاکمان و تأکید بر مسائل روبنایی و عدم توضیح منافع طبقاتی که پشت آن اقدامات مفروض خوابیده هرگز نمی‌تواند تحلیل درست منطبق بر واقعیت بوده و در خدمت ارتقای آگاهی توده‌ها قرار گیرد، بلکه چنان برخوردی برعکس به کور کردن آگاهی و فریب توده‌ها منجر می‌شود. بنابراین این طیف از نیروها امروز هم قادر نیستند به طور علمی به توضیح اعمال جمهوری اسلامی که مطابق معیارهای این رژیم علیه "قوانین اسلام" و غیر "اسلامی" است بپردازند.

حال قبل از این که توضیح داده شود که کدام شرایط اجتماعی در حال حاضر جمهوری اسلامی را بر آن داشته است تا تغییراتی در رویه تاکنونی خویش با مردم در دو زمینه‌ای که از آنها یاد شد ایجاد بکند، لازم است تا حدی روی اقدام اخیر این حکومت یعنی ارائه مجوز برای اجرای کنسرت‌های خیابانی متمرکز شویم.

همانطور که می‌دانیم علیرغم همه مخالفت‌ها و سرکوب‌های رژیم با شادی و رقص و پای‌کوبی مردم، در چندین سال اخیر در میادین و محل‌های رفت و آمد بسیاری از شهرها شاهد نواختن موسیقی توسط افراد به مثابه نوازنده خیابانی (برای جمع آوری پول جهت تأمین معاش) و گردهم آیی و رقص برخی در آن تجمعات بوده‌ایم. در واقع مردم تا کنون به سبک خود نوعی از کنسرت‌های خیابانی را برپا می‌کردند. با در نظر داشتن چنین زمینه‌ای و در شرایط اجتماعی خاص کنونی که رژیم غرق در بحران‌های گوناگون بوده و در آنها دست و پا می‌زند و حتی با بحران مشروعیت مواجه است حال جهت خواباندن خشم و نفرت بیش از حد مردم نسبت به خود و سرگرم کردن بخشی از جامعه به رقص و آواز، به ترفند فریبنده جدیدی روی آورده است. اکنون در بسیاری از شهرها با شرکت شبه هنرمندان خدمت‌گزار رژیم ضد خلقی، کنسرت‌های خیابانی اجرا می‌شود. از جمله در شهر خوی کارناوالی با اسم "شمس و مولوی" راه انداخته شده است، زنان در کنسرت‌های خیابانی امکان آواز خوانی یافته اند، در مناطقی رقص محلی با پوشیدن لباس‌های محلی اجرا می‌شود و در محل‌هایی دیسکو به سبک اروپا و آمریکا برپا می‌شود که برپائی دیسکو در شهرک اکباتان یک نمونه از آنهاست. در جشنواره‌ای هم که در شیراز برپا کردند کودکان را هم فراموش نکرده و آنها را نیز به رقص و پایکوبی کشاندند. خلاصه این که رژیم با دست زدن به این ترفند سعی دارد به مردم بقبولاند که در سیاست فرهنگی خود تغییر ایجاد کرده و مدعی همدلی با مردم و "اتحاد ملی" است.

اما چه شرایطی در جامعه امروز این رژیم ضد ملی و ضد خلقی را به دست زدن به نمایش‌های مسخره اخیر مجبور ساخته است؟

واقعیت این است که جمهوری اسلامی امروز خود را با بحران همه جانبه‌ای روبرو می‌بیند. سیاست‌های اقتصادی و خارجی این رژیم در طول سالیان موجب گسترش فقر و فلاکت شدید در میان بسیاری از آحاد جامعه گشته است تا آنجا که امروز زندگی برای قشر بزرگی از مردم بسیار رنج‌آور و بیش از هر وقت دیگر غیر قابل تحمل گشته است؛ و این در حالی است که این رژیم قادر به کمترین گشایش در زندگی مردم و حتی پاسخ به ابتدائی‌ترین نیازهای آنان نیست. بر

چنین اساسی است که علیرغم وجود شرایط شدیداً مختنق در جامعه، علیرغم همه بگیر و به بندها و اعدام‌های همه روزه زندانیان اعم از زندانیان سیاسی و غیرسیاسی که این رژیم ضد خلقی برای ایجاد رعب و وحشت و جلوگیری از رشد مبارزات مردم به آن مبادرت می‌ورزد، شاهد اوج گیری و گسترش مبارزات کارگران و دیگر توده‌های تحت ستم در سراسر ایران هستیم که هریک ضمن بیان خواست‌های برحق خود، اعتراض و انزجار خویش از وضع موجود را به گونه‌ای فریاد می‌زنند.

از طرف دیگر این رژیم با بحران مشروعیت روبروست که بدون شک حاصل و مبین مبارزات توده‌ها در طول حکومت جمهوری اسلامی و به خصوص دست زدن آنها به چندین قیام توده‌ای در سال‌های اخیر بوده است. در جریان این قیام‌ها مردم انقلابی و فداکار در سراسر ایران با همه وجود خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی گشته و فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی آنان لرزه بر اندام سردمداران دزد و فاسد این حکومت انداخته است. بنابراین این امر که مردم ایران به جز وابستگان به رژیم خواهان نابودی جمهوری اسلامی بوده و این رژیم مورد خشم و نفرت شدید آنها است و آن را به رسمیت نمی‌شناسند امری کاملاً آشکار برای سردمداران و حافظین جمهوری اسلامی است.

در اوضاع تعریف شده در فوق و در حالی که جمهوری اسلامی با مواجه شدن با بحران هسته‌ای و اثرات آن بر دشوارتر کردن زندگی مردم در شرایط ضعیفی قرار گرفته است اکنون خود را در چنان شرایط نامساعدی می‌بیند که تشخیص می‌دهد نه تنها فعلاً به موضوع حجاب زنان در خیابان گیر ندهد بلکه می‌کوشد با اقدام به ترفند فریبکارانه صدور مجوز برای برپائی کنسرت‌های خیابانی، قشرهایی از طبقات مرفه و نیمه‌مرفه جامعه را بدین سان مشغول نموده و بهره‌برداری لازم را از آن برای بقای خود تهیه ببیند. اما، واقعیت این است که این ترفند نیز برای این رژیم شدیداً منفور اکثریت مردم ایران کارساز نخواهد بود.

جمهوری اسلامی در شرایطی به آزاد گذاشتن برپائی کنسرت‌های خیابانی روی آورده است که اختناق نفس گیر و دیکتاتوری عریانی که آن را می‌توان با

عبارت "اولترا فاشیسم" توصیف کرد سایه شوم خود را بر جامعه گسترده است. این رژیم در طی حکومت خود با اشاعه فرهنگ زورگوئی در جامعه که مخصوص طبقه حاکم است چنان بی فرهنگی در میان آحادی از جامعه به وجود آورده است که بارها شاهد فجایعی نظیر قتل دختر خانواده توسط پدر یا برادر زورگو و تأثیر گرفته از فرهنگ زورگوئی حاکم بر جامعه بوده ایم که یکی از موارد دردناک و اخیر آن قتل دختر بچه هشت ساله به نام آیلار توسط پدر زورگو و بی فرهنگی خود می باشد که این کودک را در زیر ضربات چاقو و ضرب و شتم شدید به قتل رساند. باید دانست و تأکید کرد که چنین فجایعی منفک از شرایط دیکتاتوری و گسترش فقر و فاقه در جامعه نیست، شرایطی که که جامعه کنونی ایران را به حد انفجار رسانده است.

واقعیت این است که جامعه ایران مدتهاست که در شرایط انفجاری به سر می برد. شدت گیری و گسترش فقر و فلاکت در میان بسیاری از آحاد جامعه که اکنون فشارهائی نظیر قطع آب و برق نیز بر آن افزوده شده است همراه با فشارهای بی حد دیکتاتوری و اختناق اعمال شده بر توده ها، زندگی را برای اکثریت مردم از حد غیر قابل تحمل نیز گذرانده است. اگر چه حمله اسرائیل به ایران به سود جمهوری اسلامی تمام شد و زمان از هم گسیختن جامعه در حال انفجار را به عقب راند و هم اکنون نیز نگرانی مردم از جنگ مجدد به یکی از عوامل تحمل وضع شدیداً ناگوار موجود تبدیل گشته است ولی شدت تضاد با رژیم خدمت گزار امپریالیستها و قدرت عواملی که توده ها را برای تحقق خواست های انقلابی و برحق خود به حرکت در می آورد بسیار قوی تر از آن است که بتوان با ترفند فریبکارانه آزاد گذاشتن کنسرت های خیابانی و یا ترفندهای فریبکارانه مشابه دیگر از آن جلوگیری نمود.

باید به خاطر سپرد و شدیداً بر این واقعیت تأکید کرد که در جامعه ما چندین امپریالیسم نفوذ دارند که با وجود حکومت موجود (جمهوری اسلامی) هر یک به طریقی ثروت های مردم ایران را به یغما می برند. در این میان امپریالیسم آمریکا علیرغم حضور پنهان و غیر علنی خود در ایران، امپریالیسم فائقه می باشد که جمهوری اسلامی چه با تبعیت از سیاست های بانک جهانی و صندوق

بین‌المللی پول و چه از طریق پیشبرد سیاست‌های خارجی دیکته شده از سوی این امپریالیسم در منطقه بیشترین ثروت‌های ایران را به قیمت شدت دادن و گسترش فقر و فلاکت بر زندگی اکثریت مردم ایران صرف آن می‌کند. گسترش بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه چه به منظور مقابله با مبارزات ضد امپریالیستی مردم این منطقه و چه برای ایجاد جنگ و ناامنی در خدمت به رونق صنایع نظامی آمریکا از وظایف سپرده شده به جمهوری اسلامی از جانب امپریالیسم آمریکاست که این رژیم با همه وجود در خدمت به آن قرار داشته و دارد. در همین رابطه مردم ایران به خوبی می‌دانند و می‌بینند که این رژیم با دست و دل بازی تمام چه بودجه‌های کلانی را در کشورهای منطقه صرف می‌کند و گاه متعجب می‌شوند که چرا این رژیم به جای برآورده کردن بسیاری از نیازهای حتی اولیه مردم ایران، در فلان کشور منطقه از جمله مدرن‌ترین بیمارستان یا مدرسه را می‌سازد در حالی که مردم خود ایران در مناطق مختلف از جمله در بلوچستان از فقدان آنها بسیار در رنج‌اند. یا با صرف خرج زیاد، مثلاً حرم فلان امام در این یا آن کشور منطقه را با طلا می‌پوشانند! یا متعجب‌اند که کشور یمن در آن سوی منطقه چه ربطی به ایران دارد که این رژیم در جنگ پیش آورده شده بین حوثی‌ها و دولت پیشین در آنجا وظیفه تأمین سلاح برای حوثی‌ها را بر عهده گرفته است!

درست به دلیل سرسپردگی رژیم جمهوری اسلامی به امپریالیستها و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا و تأمین منافع آنهاست که این رژیم زمانی صلاح را در آن می‌دید که برخورد کاملاً فنانیک به "اسلام" و "قوانین اسلام" داشته و مثلاً وجود یک تار موی بیرون افتاده از روسری یک زن را بر نتابد؛ و امروز اوضاع را چنان می‌بیند که درست برای حفظ وضع استثمارگرانه و ستمکارانه موجود تشخیص می‌دهد که چشم بر موهای زنان بدون روسری ببندد. بر این مبنا، درست در جهت تأمین منافع طبقاتی برشمرده در فوق است که این رژیم که روزی مبلغ عزا و عزاداری بود و نشر موسیقی و شادی را "حرام" و غیر اسلامی می‌خواند امروز خود مبلغ کنسرت در خیابان‌ها شده است. خلاصه این که همه چیز را حفظ منافع امپریالیستها به مثابه سرمایه‌داران خارجی و سرمایه‌داران داخلی

وابسته به آنها تعیین می‌کند. در این مسیر اگر شرایط ایجاب کند این رژیم حتی حاضر است ولی فقیه، خامنه‌ای را هم به رقص در یکی از کنسرت‌های خود وادارد. بنابراین در برخورد به سیاست جدید جمهوری اسلامی در آزاد گذاشتن برپائی کنسرت در خیابان‌ها باید به شرایطی در جامعه ایران رجوع کرد که به دلیل شدت گیری تضاد بین منافع توده‌ها و منافع امپریالیست‌ها پیش آمده است؛ و در همین رابطه رهنمود لنین کبیر را به کار بست که گفته است باید در پشت هر حرکت و حتی هر سخنی منافع طبقاتی پشت آن را تشخیص داد. در حال حاضر منافع طبقاتی برای حفظ شرایط استثمارگرانه و ستمکارانه حاکم ایجاب کرده است که جمهوری اسلامی تصویر فرهنگی جدیدی از خود ارائه دهد تا شاید در طلب گدائی مشروعیت برای خود، رضایت اقشار مرفه و تا حدی نیمه مرفه جامعه که آنها نیز معترض دیکتاتوری خشن حاکم هستند را به خود جلب کند. از این طریق رژیم امیدوار است بین این بخش از جامعه و مردمان شدیداً تحت ستم و دیکتاتوری شکاف ایجاد کند و از جمله از یکپارچگی آنان به هنگام وقوع حرکت‌های انقلابی عظیم توده‌ای جلوگیری نماید.

این را هم باید بدانیم که این رژیم در حالی که پیش از این حتی وجود یک مجسمه از فردوسی در خیابانی را بر نمی‌تابید حال برای ایجاد آذوقه برای رسانه‌های خارجی که بتوانند برای فریب افکار عمومی جهان چهره "معتدل" و تغییر یافته فرهنگی از جمهوری اسلامی به نمایش بگذارند، در تخت جمشید کنسرت رسمی با حضور مقامات دولتی و سفرا و نمایندگان هفده کشور برپا می‌کند و مرتب از احترام به تاریخ و ایران باستان دم می‌زند. خواهیم دید که رسانه‌های امپریالیستی پشتیبان جمهوری اسلامی اگر فرصت یابند چگونه با نادیده گرفتن فقر و فلاکت دردناک گریبان‌گیر اکثریت مردم ایران، با نادیده گرفتن حاکمیت دیکتاتوری و خفقان شدید در جامعه و چشم بستن به اعدام‌های هر روزه زندانیان توسط رژیم ضد خلقی و دیکتاتور حاکم، از تغییر فرهنگی در ایران سخن خواهند گفت و برای فریب افکار عمومی جهان، ایران را سرزمین موسیقی و گل و بلبل جلوه خواهند داد. اما این نیز مدتی دوام نخواهد آورد و

رشد و گسترش مبارزات توده‌ها همه این ترفندهای فریبکارانه برای حفظ رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را نقش بر آب خواهد ساخت.

25 شهریور 1404

اشرف دهقانی